



مکالمات



ویژه نامه پاسداشت کمال شرف
در پانزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار
دی ماه ۱۴۰۳

کمال شرف
KAMAL SHARAF

الْحَمْدُ لِلَّهِ
الْعَلِيِّ الْعَمْرِيِّ
سَيِّدِي

کمال

ویژه‌نامه پاسداشت کمال شرف
در پانزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار

پانزدهمین جشنواره
مردم‌گانه فیلم عمار



سر دبیر: مجتبی مالکی

دبیر تحریریه: مصطفی جعفرخانی

تحریریه: علی بخشایش، ابراهیم کاظمی مقدم،

فرشته عسگری، فاطمه قربانی

باتشکر از: اسماعیل هاشم‌آبادی، محمد حسین صبوری،

حمید صالحی، محمد رضا احمدی، طاها اسماعیلی

با گفتاری از جمال یزدانی، پیمان علیشاهی،

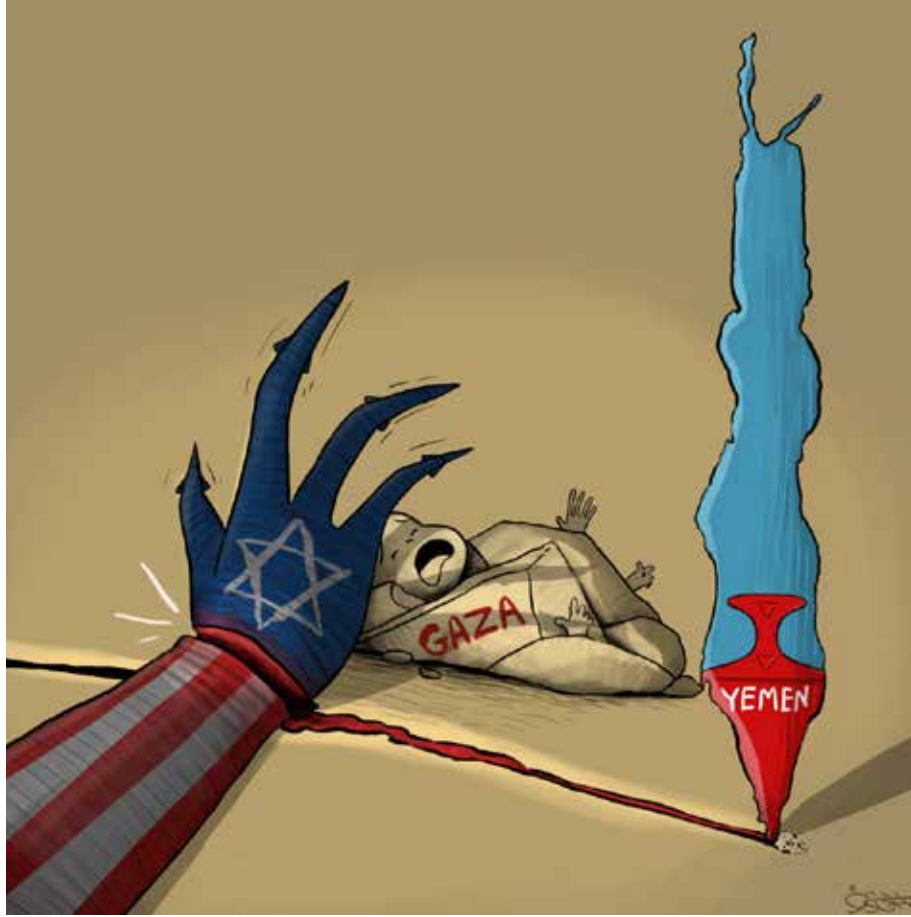
محمد صادق شهبازی، حسین کمیلی، سمیرا قره‌داغی،

مجتبی کاوه، علی حیاتی، محمد جواد طاهری،

محمد حسین عظیمی، محمد رضا موسوی

صفحه آرا و مدیر هنری: ابراهیم وکیلی گندمانی

دی ماه ۱۴۰۳



ف ریاد همیشه بهنگام

وقتی به آثار هنری انقلاب اسلامی می‌پردازیم از نفحات قدسی و درونی هنرمندی صحبت می‌کنیم که خود، انسان انقلاب اسلامی است. کمال شرف هنرمندی از این تبار مجاهد است که در عصر جنگ رسانه‌ای و هنری، ابزار ترسیم کارتون و کاریکاتور را به یک تیغ بژان برای محور مقاومت تبدیل کرده است. ظرفیت روزآمد هنر کاریکاتور و کارتون در مصاف خیر و شر هنری، نیاز به حضور شخصیتی دارد که خود را در ابعاد و اضلاع مختلف محتوایی و تحلیلی به کمال رسانده باشد.

عرضه کارتون و کاریکاتور و گاه موشن کارتون در سه ساحت «تبیین ریشه‌ها، علت‌ها و تحلیل وضع موجود و



علی
بخشایش
طراح گرافیک

واقعه پیش آمد»، «هجو غرب، صهیونیسم، خیانت سران و شیوخ عرب به محور مقاومت» و «ترسیم ابهت محور مقاومت» انجام می شود. آن هم در لحظات اولیه وقایع و نفس به نفس حوادث، با رصد اخبار و جراید و همگام با میدان که همه آنها نیازمند اشراف و رصد دقیق، مطالعه دائمی، آشنایی با زبان، فرهنگ، نشانه شناسی و شرایط سیاسی کشورهای محور مقاومت است.

تحلیل درست شرایط، آشنایی با ریشه های معرفتی و شناختی و همچنین داشتن مبانی و دستگاه تحلیلی درست، منجر می شود که بتواند به هنگام، دقیق و نقطه زن یک اثر را منتشر کند.

اینها مختصات یک هنرمند بین المللی در محور مقاومت است و همه این صفات را می توان به آقای کمال شرف نسبت داد. عبور از نگاه قومیتی و رویکرد فراملی و فرامذهبی به مسئله فلسطین و مواجهه با استکبار از ویژگی های این هنرمند است که در کنار صراحت، جسارت و روحیه حماسی یمنی ایشان، قابل توجه و پرداخت است.

حال می توان به تورق آثار یک هنرمند کنش گر با نگاهی تازه پرداخت. می توان درک کرد که آثارش، فرآیندی چندبعدی دارد.

اقتضای هنر کارتون و کاریکاتور در سادگی ترسیم و درعین حال ایده های رندانه است. ایده هایی که وقتی می خواهند رنگ جهانی بگیرند، قاعدتاً از فضای دیالوگ خارج می شوند و بیان بصری، راوی قصه های آن می شود.

از دیدگاه فرمی نیز می توان گفت ترسیم و قصه پردازی جوان و فانتزی کمال شرف در آثارش باعث شده در عین بیان تلخ و شیرین ماجرای مقاومت، بیان بصری لطیفی داشته باشد که ناشی از طراحی کاراکترهای جذاب فانتزی، جان بخشی به موشک ها و پهپادها و شکل کاراکترهای مثبت و منفی است با یک سبک فانتزی خاص. این روش باعث می شود که در لحظاتی کوتاه، مخاطب را به عمق قصه بکشاند. از ویژگی های دیگر ایشان پس زمینه های قهوه ای و خاکی است که به صورت تپ در تمام آثارش جریان دارد و یکی از اجزای شناسنامه اثر ایشان به حساب می آید. ذهن خلاقانه کمال در تولید کارتون و موشن های کوتاه در بزنگاه حوادثی که جنبه هجو توان نظامی غرب را دارد، منجر به دیده شدن گسترده آثار و شکستن سکوت رسانه ای می شود.

در کل باید گفت در جنگ الگوریتم ها و هوش مصنوعی، رسانه ها و بلندگوهای پرسروصدای صهیونیسم و غرب وحشی، یک ظرفیت و جبهه جدید در حال شکل گیری است و جوشش ها و رویش های هنری مقاومت با شتاب عجیبی به جریان افتاده و هنرمندان جهان اسلام و البته هنرمندان آزاده جهان به واسطه این حوادث در حال ظهور و ارتباط با یکدیگرند. تفاوت هنرمندان محور مقاومت این است که شعار ضد جنگ نمی دهند. آنان مصاف مظلوم و ظالم را چشیده اند و زر و زور و تزویر را در منطقه می شناسند. حرارت آنها از داغ حدود یک قرن تجاوز، کودکشی و ظلم است. هر شهید که می افتد، همچون بذری در جان مقاومت جوانه می زند. از جریان سانسور و ترور نمی ترسند و همچون ناجی العلی و بسیاری دیگر که به واسطه هنرشان ترور شدند آماده شهادت هستند.

شهید مرتضی آوینی چه زیبا این عبارات را کنار هم قرار داد: حلقوم ها را می توان برید، فریادها را هرگز؛ فریادی که از گلو بریده برآید، جاودانه است و کمال شرف امروز فریاد جبهه مقاومت است.





بدون کلمه، سخن بگو

فرشته
عسگری
نویسنده



جبهه مقاومت جایی است که انسان‌های آزاده با روحیه‌ای از جنس ایمان در برابر ظلم ایستادگی می‌کنند. آدم‌هایی که نام آنها در دل تاریخ ماندگار می‌شود، قهرمان‌هایی در جای جای کره خاکی، آدم‌های شبیه به کمال شرف.

کمال شرف مرد ۴۷ ساله‌ای است که ۲۰ سال از عمر پر برکت خود را با زبان هنر سخن گفته. سلاح در دستش قلم و رنگ است. پدرش ارتشی است و مادرش خانه‌دار که بیشتر وقت خود را صرف تربیت درست فرزندان کرده. کمال شرف نیز خود پدر چهار فرزند است. او از کودکی انسان کم صحبتی بوده که در سرش حرف‌های بسیار داشت. برای بیان افکار خود نقاشی را راه مناسبی می‌دانست و به آن روی می‌آورد. بزرگ‌تر که می‌شود پی به علاقه شدیدش به کاریکاتور می‌برد. کاریکاتور عجیب به روحیاتش نزدیک است؛ ساده اما عمیق. او به کمک کاریکاتور پیچیده‌ترین مسائل را به ساده‌ترین و سریع‌ترین شکل ممکن بیان می‌کند. با همه دقتش، ایده‌ها را بررسی می‌کند و هدف را نشانه‌گیری، از این رو بیشتر آثارش با واکنش‌های مثبت همراه است. کمال در شگفت‌زده کردن مخاطب، مهارت خاصی دارد. او سعی می‌کند در کارهایش حقیقت را برملا کند.

کمال شرف راه خدا را، راه نصرت مستضعفان می‌داند و ضامن آزادی و حیاتش را حمایت از مجاهدین آزاده. هر اتفاق، تأثیر عظیمی بر درون او دارد و همیشه تحت تأثیر شجاعت و فداکاری مجاهدین قهرمان قرار گرفت است. او با مظلومیت و صبر مستضعفان زندگی کرده و با مصائب زندگی آنها مأنوس است. حوادث اخیر محور تفکرات او شده و باور دارد درونیاتش را به بلوغ و ایمان بیشتری رسانده است. او مشکلات و سختی‌ها را جزئی از زندگی می‌داند و می‌فهمد که این راه آسان نیست و دیدگاهش به راحتی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد؛

اما دیدن آنچه برادران و خواهران مسلمان در غزه و لبنان تجربه می‌کنند، برایش سخت است نمی‌تواند به راحتی از کنار آن بگذرد. بنابراین، قهرمانان واقعی مقاومت را مظلومان می‌دانند.

ایمان، شبیه پرتوی از نور در دلش می‌گذرد و سراسر زندگی‌اش را نورانی می‌کند. با آغاز طوفان الاقصی تا به امروز حدود پانصد اثر هنری با نام خود منتشر کرده. چیزی که باعث شده ایده‌های زیادی داشته باشد، این است که کاریکاتور را به‌عنوان یک کار نمی‌بیند، بلکه از آن به‌عنوان یک وسیله برای بیان باورهایش استفاده می‌کند. به همین دلیل حوادث را با چشمی دنبال می‌کند که سعی دارد حقیقت را ببیند. البته که تحقیقات مداوم در تاریخچه این نبرد از زوایای مذهبی، سیاسی و فرهنگی دارد. این تحقیقات، محیطی حاصلخیز برای تولید به او داده است.

مقاومت را فطری می‌بیند و آن را در تمام دستورات الهی می‌یابد. برای او مقاومت، یک امر مقدس است و هم بخشی از طبیعتش و معتقد است ایمانش او را به سمت کاریکاتور درمورد مقاومت هدایت کرده. کمال شرف کاریکاتور را وسیله‌ای برای بیان باورهایش می‌داند و نهال آن را با عشق آبیاری می‌کند.

این را هم باید توجه کرد که ما در عصر تصویر زندگی می‌کنیم. عصری که نسل اینترنت بیشتر به این نوع رسانه‌ها توجه دارد. او با کاریکاتور از این محیط به خوبی بهره‌برداری کرده و می‌داند برد کارهایش به هر جایی می‌رسد. هنری که بدون استفاده از کلمات، به زبان جهانی تبدیل شده و همه آن را می‌فهمند.

او معتقد است اگر کاریکاتور به‌عنوان یک نیروی رسانه‌ای جدی شناخته و مورد توجه و حمایت بیشتری قرار گیرد، می‌تواند به یکی از سلاح‌های استراتژیک برای جریان مقاومت تبدیل شود. کاریکاتور نه تنها یک شکل هنری، بلکه مکمل مقاله یا تحقیق است. یک رسانه مستقل که می‌تواند بسیاری از مسائل را بیان کند. اگر هنرمند با پس‌زمینه فرهنگی، سیاسی، تاریخی و دینی قوی به این کار بپردازد، می‌تواند شبیختن‌های رسانه‌ای که میلیون‌ها دلار خرج آن شده را رسوا و با آن مقابله کند.

کمال شرف از قهرمانانی چون شهید هنرمند فلسطینی «ناجی العلی» الگو گرفته و سعی دارد شبیه او آثارش تپنده و زنده باقی بماند. او از اهالی مردم صبور یمن است. مردمی که ظالمان را خوب می‌شناسند. از مردم شریفی که پیامبر(ص) درباره آنها فرمود: آنها صاحبان مهربان‌ترین قلب‌ها و نرم‌ترین دل‌ها هستند.

کمال شرف و مردم یمن با صداقت همراه و همدرد مردم غزه و لبنان هستند. آنها معتقدند تمام مسلمانان برادرند و مذاهب، تنها راه‌های متفاوتی برای عبادت خدا هستند البته به جز کسانی که از دین واقعی خارج شده‌اند. در مذهب زیدی تربیت شده و به همه مذاهب به‌ویژه آنهایی که با مسیر اهل بیت (ع) هستند در ارتباط باشد و با دید باز نگاه کند و از نظر سیاسی، به هیچ جریان سیاسی خاصی تعلق ندارد.

کمال شرف می‌گوید: باید روی تقویت پیوند ایمانی در بین اعضای مقاومت کار کنیم تا هرکس طبق جهت‌گیری سیاسی و مذهبی خود، با این پیوند مقدس و مذهبی یکپارچه باشد. حالا که در برابر چالش‌های بزرگ این دوران سخت قرار داریم نیاز به کار مداوم و با کیفیت داریم و باید در تمامی زمینه‌های تکنولوژیکی، رسانه‌ای و نظامی پیشرفت کنیم. باید در زمینه رسانه و عملیات رسانه‌ای قوی و جسورانه کار کنیم. چرا که ما در برابر حکومتی قرار داریم که بر همه چیز کنترل دارد: رسانه‌ها، فناوری‌ها و سلاح‌های پیشرفته. کمال شرف با صداقت، هم‌درد با مردم غزه و لبنان است. خوب می‌داند یمن تسلیم نخواهد شد و شکست را نمی‌پذیرد. دلگرم رهبری «سید عبدالملک الحوثی» است که باعث شده این فطرت ذلت‌ناپذیر به سمت یک حالت ایمانی عمیق و مستحکم سوق پیدا کند و راهی براساس منویات قرآنی شکل گیرد.



کمال
شرف

کمال شرف کاریکاتوربست یمنی است که در چهارده ماه گذشته نزدیک به پانصد اثر را تولید کرده است. این هنرمند بعد از طوفان الاقصی دچار تحولی در زندگی هنری خود شد و از آن پس، خود را در میانه میدان نبرد جبهه مقاومت و استکبار جهانی دید. پس با قلم نوری خود، شروع به مبارزه با اسرائیل و متحدان عربی اش می کند.

دشمنی شرف با حکام سعودی برای امروز و دیروز نیست؛ یمن طعم استعمار را به خوبی چشیده. او اهالی غزه و لبنان را خانواده خود می داند و حس می کند خانواده اش مورد حمله قرار گرفته است. ضمن اینکه کمال شرف زندگی در یمن بعد از آزادی از یوغ غرب پرستان را چشیده پس می خواهد این آزادی نصیب برادران و خواهران مظلوم فلسطینی اش هم بشود. در ادامه تعدادی از آثار کمال شرف را همراه با یادداشت های کوتاهی از هنرمندان و صاحب نظران می بینیم.

آنچه در تمام آثار این هنرمند به چشم می خورد، حماسه سرایی با جلال و شوکت است و باید بدانیم چیزی که امروز میدان نبرد حق علیه باطل به آن نیاز دارد، قوت قلبی ست که کمال شرف و امثال او با تمام قوا برای تأمینش می جنگند.



در آثار آقای کمال شرف چند نکته بارز است.

ابتدا باید بگوییم که ایشان خیلی پر کار است و نسبت به وقایع، سریع واکنش نشان می‌دهد. این مسئله بسیار مهم است. کارهای او از یک سادگی برخوردار است که خیلی زود با مخاطب ارتباط می‌گیرید؛ هم در تکنیک، هم در طراحی و هم در محتوا. البته ممکن است بخشی از آن ناشی از خصوصیات خود کارتون باشد که در آثار ایشان هم دیده می‌شود. نکته بعد اینکه احساس می‌کنم ایشان خیلی محض^۱ شده و در واقع تمرکزش را گذاشته روی دشمن و روکردن دست آن. فضای محتوای کارهای آقای کمال شرف بیشتر نشان دهند حرکت دشمن، حرف‌هایی که می‌زند و ترفندهایی است که به کار می‌برد؛ البته این را با زبان کنایه و طعنه در قالب کارتون برملا می‌کند.



علی
حیاتی
گرافیست و
طراح

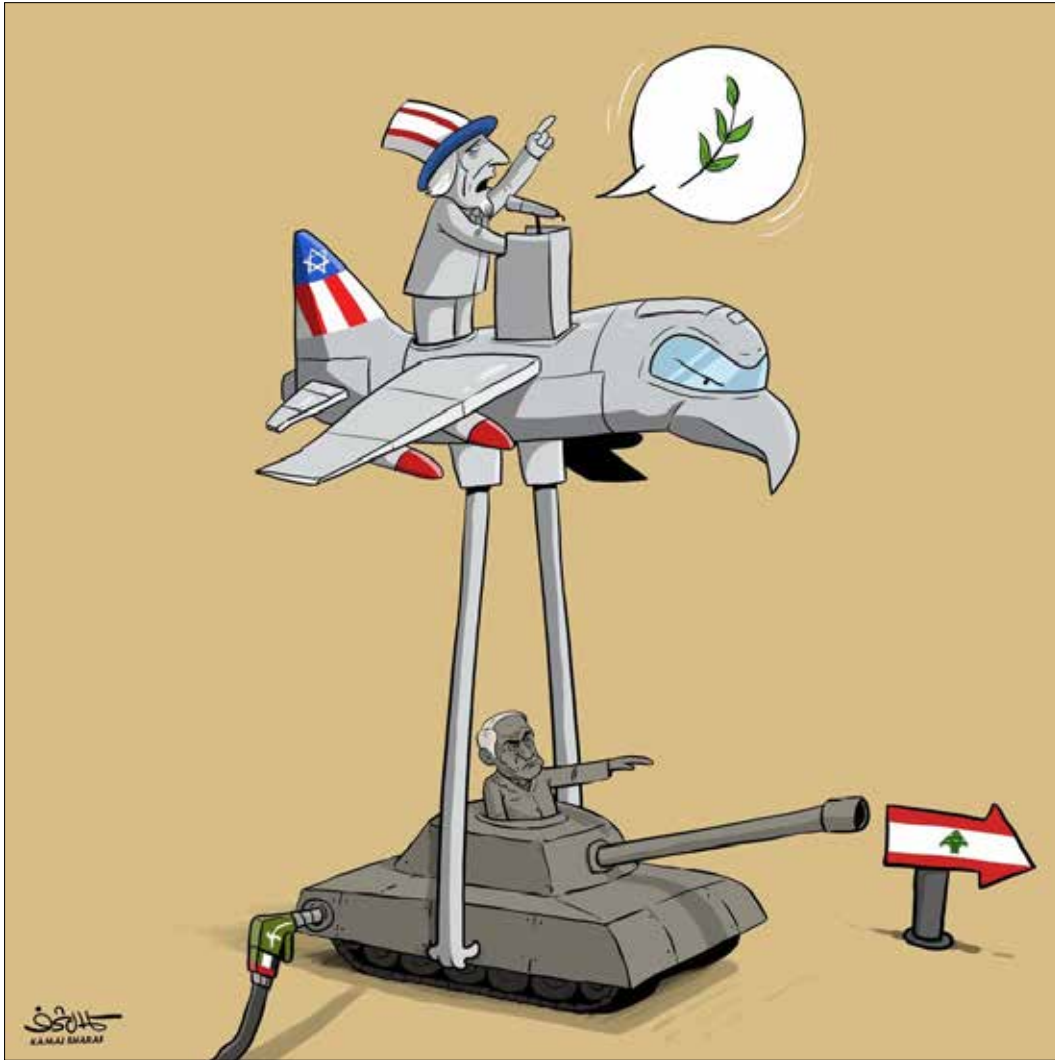
۱. خالص، ناب



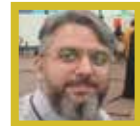
درمورد کمال شرف باید گفت، آنچه آثار او را منحصر به فرد می‌کند، نه تکنیک کار و فرم خاص آثار اوست بلکه یک نکته فراتر از بحث فرم است و آن واکنش سریع و دقیق این هنرمند، نسبت به مسائل روز است. کمتر هنرمندی در این روزهای سخت فتنه‌های آخرالزمانی همچون او می‌تواند به سرعت زاویه درست ورود به نقد یک اتفاق را بیابد و درعین حال آن را با نگاه هنرمندانه خود تبدیل به یک اثر هنری کند. ای کاش کمال شرف‌های بیشتری داشته باشیم.

محسن
فرجی
طراح و
کاریکاتوربست





این تصویر ناآشنا و تازه کشف شده نیست. هر انسان شریفی می‌داند که در پشت تمام حرف‌های شعاری صلح آمریکایی و غربی، چیزی جز جنایت و منفعت‌طلبی نیست. آنهایی که این حرف‌ها را باور می‌کنند، ساده‌لوح نیستند، ذاتشان خراب است!



**پیمان
علیشاهی**
جامعه‌شناس و
تصویرساز



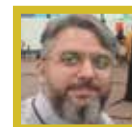
محمد رضا
موسوی
گرافیست و
تصویرساز



روح کارهای کمال یمنی خیلی به ما ایرانی‌ها و ادبیات ما نزدیک است. انگار یک ایرانی دارد با ما حرف می‌زند؛ البته به زبان تصویر. این کار را ببینید. «نرود میخ آهنین در سنگ» به ذهنتان متبادر نمی‌شود؟ ما وقتی از نادانی کسی به ستوه می‌آییم این را می‌گوییم. دستی که در این تصویر، میخ صهیون را بر زمین می‌کوبید نادانِ روایت است که نمی‌فهمد این حرکتش به نابودی کل بشریت ختم خواهد شد.



در این اثر کمال به خوبی درگیری درونی اسرائیل و دولت جنایت پیشه نتانیاهو و گالانت را نمایش داده. استفاده از عکس حقیقی با چهره‌های عصبی و درگیر و ناامید این را به مخاطب می‌رساند که نه فقط سیلی‌های مقاومت محکم بوده که دشمنی درونی نیز آنها را از پای درآورده است.



**پیمان
علیشاهی**
جامعه‌شناس و
تصویرساز



این اثر به وضوح نشان می‌دهد که صهیونیسم حتی به مهاجرین و دارودسته خودش نیز رحم نمی‌کند؛ چرا که اصولاً برای قدرت طلبی، اشغال و جنایت، ایجاد شده است. این انتهای تفکر توهمی و نژادپرستانه صهیونیسم است که ماندگاری اش با نجات هیچکس از هیچ‌گروهی ممکن نیست بلکه با کشتار جمعی ممکن است.



پیمان
علیشاهی
جامعه‌شناس و
تصویرساز



واکنش سریع، خصلتی است که تنها به فهم و تسلط فرمی در قالبی هنری باز نمی‌گردد، بلکه انس با مفاهیم و مؤلفه‌های گفتمانی، ایمان قاطع به مسیر و ثبات در دستگاه محاسباتی هنرمند نیز مکمل‌های این خصلت هستند. بسیاری از هنرمندان که به گفتمان مقاومت نیز باور دارند، به واسطهٔ تزلزل در ایمان به مسیر یا به هم ریختگی دستگاه محاسباتی در این جنگ شدید ترکیبی، دچار انفعال می‌شوند. انفعال سم مهلک در مسیر مقاومت است. انفعال یعنی اینکه وقتی سوره سقوط می‌کند، هنرمند نتواند صحنه را تشخیص دهد و تنها ناظر وقایع باشد، همه چیز را از دست رفته ببیند و به مسیر پیش آمده شک کند. البته این امر به معنای نادیده‌گرفتن اشتباهات و لغزش‌ها یا کم‌کاری و خیانت‌ها و... نیست، اما هنرمندی که منفعل نیست، می‌تواند خود را مبتنی بر مبانی عمیقی که از پیش به آنها باور، خود را بازیابی کرده و اقدام تعریف کند.



جمال
بزدانی
محقق و دکتری
فرهنگ و ارتباطات



سید محمد جواد
طاهری
کاریکاتوریست و
طنزپرداز



یکی از ورطه‌هایی که کارتونیست را به کندی و رکود می‌کشاند، گزیده‌کاریست. کمال، تن به تله‌گزیده‌کاری نمی‌دهد و پیامش را هر چند کلیشه‌ای و تکراری در ظرفی جدید به مخاطب ارائه می‌دهد.



هرقدر آثار کمال شرف در مقابل جریان صهیونیسم جهانی خوب کار شده، به همان میزان به دنباله‌های این شجره خبیث در منطقه توجه کرده. او همیشه در کنار پرداختن به جنایات صهیونیست‌ها به خیانت بعضی حکام عرب و کشورهای اسلامی نیز پرداخته است.



محسن
فرجی
طراح و
کاریکاتوربست



پیمان
علیشاهی
جامعه‌شناس و
تصویرساز



عمق دیگر معادلات جهان آشکار شده است. متوهمان قدرت طلب شاید خودشان ندانند که بازیچه برنامه دیگری هستند؛ ترکیه و اسرائیل، آمریکا را پشتیبان خود می‌دانند برای ایجاد امپراطوری‌های جنایت خویش اما به واقع خبر ندارند که گرگ دو رو هیچ وقت به عهد خود وفا نکرده است.

چشم دل باز کن



انسان با عهده‌ی که می‌بندد می‌تواند در جهان هستی زندگی کند. عهد است که امکان‌ها و ناتوانی‌ها را عیان می‌کند تا ما بتوانیم درکی از زندگی کردن به دست آوریم. عهد در واقع همان نسبی است که انسان با عالم برقرار می‌کند. نسبی که افکار، اقوال، کردار و اساساً نحوه‌ی حضور او در جهان را روشن می‌کند. هر قدر اراده‌ی یک قوم به عهد یا نسبی قوی‌تر باشد، زمانه بیشتر به کام او پیش می‌رود. از دیگر سو اگر دوره‌ی عهدی سپری شده باشد و دیگر متعهدان اراده‌ی مندی برای برپایی آن در میان نباشند، شاهد نزول آن نسبت و آن نحوه‌ی بودن خواهیم بود. کم فروغ شدن یک عهد همواره با طلوع عهد و نسبی دیگر و در پی آن، انسانی دیگر همراه است. به‌واقع با آشکار شدن طرح جدید از عالم و آدم است که عهد قبلی آرام‌آرام به محاق می‌رود.

برای فهم آن چیزی که در فلسطین و به نحو عام در جبهه‌ی مقاومت در حال وقوع است، می‌بایست به جای پیگیری اخبار و تحلیل‌های پراکنده، هر روزه از زاویه‌ی عهد تاریخی به حادثه‌ای که رخ می‌دهد نگریست. به‌نظر می‌رسد مهم‌تر از اتفاقات سیاسی و ظلم و ستمی که بر مردم رنج‌دیده‌ی فلسطینی می‌رود و سبوعیتی که رژیم صهیونیستی به نمایندگی از تمام تمدن مدرن از خود نشان می‌دهد این است که گویا شاهد بشارت تولد انسان جدیدی هستیم. انسانی که گویا طوری دیگر دنیارامی‌بیند و در پی برقراری نسبی متمایز از نسبت دیگر آدمیان عصر کنونی با همه‌چیز است و می‌توان برای تعریف آن از تعبیر «انسان مجاهد» بهره برد.

انسان فلسطینی، انسان مجاهد است. مجاهد تنها صفتی در عداد مابقی صفات ممدوح اخلاقی نیست و صرفاً افاده‌ی معنای جنگ نظامی

که جان بینی

و ظاهری نمی‌کند بلکه این مجاهدت، نسبتی با ایستادن و تعریف کردن انسان با این ایستادن دارد. امام و پیشوای مجاهدین عصر حاضر در کتاب ولایت فقیه می‌گوید: اگر ما مسلمانان، کاری جز نماز خواندن و دعا و ذکر گفتن نداشته باشیم، استعمارگران و دولت‌های جائز و متحدان آنها، هیچ کاری با ما ندارند... آنها نفت شما را می‌خواهند؛ به نماز شما چه کار دارند؟... آنها می‌خواهند ما آدم نباشیم! از آدم می‌ترسند.^۱ اگر می‌خواهیم با این تعریف آدم باشیم باید ایستادن را بیاموزیم. این ایستادن را می‌توان در احوالات انسان فلسطینی نشان داد. آنجا که پیرمردی روی آوار خانه‌اش که به سختی و مرارت ساخته بوده و اکنون خراب شده می‌ایستد و می‌گوید: جایی نمی‌روم. آنجا که اینان تصویر جدیدی از فلاح و خوشبختی ارائه می‌دهند و نسبت متفاوتی با مرگ، برقرار می‌کنند و انتهای طریق خود را چه پیروزی باشد و چه شهادت، رستگاری می‌پندارند.

ناگفته پیداست که این تصویر و این نسبت برای انسان مدرن، چه -اروپایی و آمریکایی و چه شرقی و ایرانی که خوشبختی را در پیشرفت تکنولوژیک و مصرف و بهره‌مندی هرچه بیشتر می‌داند، چقدر عجیب و نامأنوس است.

این روزنه با حرکت خمینی و پیروان مجاهدش در تاریخ آغاز شده و گرچه به اعتبار تعلق اراده‌ها به آن فراز و فرودی دارد اما راهی را گشوده و پیش می‌رود که با افول عهد و نسبت مدرن توأم شده و طی این طریق جز با خون و مجاهدت میسر نمی‌شود. انسان فلسطینی هر قدر از این زاویه، خودش را توضیح بدهد، این روزنه امید را بسط می‌دهد و البته دعوتی برای دیگران دارد. رهبر انقلاب در دیدار آخر با مجاهد شهید اسماعیل هنیه می‌گوید: «یکی از دغدغه‌های همیشگی متفکرین اسلامی، چگونگی ترویج اسلام و ارائه الگوز جامعه اسلامی بود و اما امروز بلندترین پرچم اسلام در دست ملت فلسطین و مردم غزه است و به برکت این مقاومت، زمینه ترویج بیش از پیش اسلام فراهم آمده. گرایش روزافزون به اسلام در مقطع فعلی نشان دهنده عظمت و ایستادگی ملت فلسطین و مردم غزه است.»^۲

برای اینکه بگوییم اسلام چیست باید از خود ایستادگی نشان بدهیم. حال باید پرسید که چگونه می‌توان این نسبت را پیش چشم آورد و دید؟ ما جهان را بی‌واسطه نمی‌بینیم. کسی یا چیزی باید جهان را برای ما روایت کند تا قابل دیدن و فهمیدن باشد. هنر، یکی از معدود چیزهایی است که برای انسان روایت‌گری می‌کند. قدامت هنر را محاکات حقیقت تعریف کرده‌اند و زبان شناسان نیز محاکات را به نحوی حکایت کردن دانسته‌اند؛ گویا مادر هنر و با هنر آنچه در زمانه در حال وقوع است یا نوید وقوع آن داده می‌شود را درمی‌یابیم. ما با هنر خود را به جا می‌آوریم.

اگر بخواهیم وضع انسان فلسطینی و نسبتی که با عالم برقرار می‌کند را بفهمیم، بیش و پیش از آنکه در اخبار متکثر و اقوال پریشان سیاستمداران به دنبال آن باشیم، می‌بایست در آیین هنر آن را جستجو کنیم. هنر است که چوتان آینه وضع و حال این انسان مجاهد را

۱. ستم‌کار

۲. کتاب ولایت فقیه؛ ص ۲۲

۳. نهم مرداد ۱۴۰۳

هنر می بایست اولاً از مکاتب مختلف هنری و نقد هنری و ثانیاً از روایت خام و گسترده آنچه در فلسطین در حال وقوع است، فاصله بگیریم و ابتدا فهم و روایتی تاریخی و انسانی از آن داشته باشیم. این نقطه است که می تواند چشم ما را باز کند تا بتوانیم به انسان فلسطینی نزدیک شویم و بعد در پی تعریف نسبت خودمان با این واقعه برآییم.



فارغ از هیاهوی رسانه‌ای و سیاسی به ما می نمایاند. قومی که زمین و زمان بر او تنگ شده و لاجرم در هنر به دنبال خود می‌گردد. ایستادگی را باید در تابلوهای سلیمان منصور در داستان‌های غسان کنفانی، در اشعار محمود درویش و نزار قبانی جستجو کرد.

آنجا که قبانی می‌سراید:

می‌آییم

برای تصحیح تاریخ و اشیاء

و برای پاک کردن حروف

از خیابان‌هایی که نام‌های عبری دارند!

اشیاء و تاریخ چگونه تصحیح می‌شوند؟ اگر دعوای فلسطین را صرفاً ناسیونالیستی و بر سر خاک بدانیم، چه نیازی به تصحیح تاریخ و اشیاء است؟ و آیا پاک کردن حروف فقط از خیابان‌های غصب‌شده توسط قوم یهود مراد است یا تاریخ و زمان‌هایی که به ورطه نیستی افتاده نیاز به از نو نوشته شدن دارد؟

اما برای این نوع روایت از هنر و رؤیت انسان فلسطینی در

جبالیا
Jabalialia



محمد حسین
عظیمی
محقق و پژوهشگر
حوزه بین الملل



در تعدادی از آثار کمال شرف انتقاد از نقش ایالات متحده در حمایت بی قید و شرط از اسرائیل و در عین حال، مخالفت شدید با ایران، در زمینه حمایت از فلسطین وجود دارد. این آثار اغلب به تناقض ها و دوگانگی سیاست های آمریکا در منطقه اشاره دارند، جایی که حمایت از فلسطین به عنوان یک آرمان انسانی نادیده گرفته می شود و سیاست های ضد ایرانی با اهداف خاص سیاسی و اقتصادی برجسته می شود. در برخی از آثار او، آمریکا به صورت یک قدرت جهانی نمایش داده می شود که نه تنها اسرائیل را تقویت می کند، بلکه نقش کلیدی در تداوم اشغالگری و سرکوب فلسطینی ها دارد.



شرافت، کلیدواژه غربی است در دنیای بی شرف‌ها. حالتی در شخص که او را از ارتکاب رذایل باز می‌دارد! و چه رذیله‌ای بالاتر از کودک‌کشی! چه رذیله‌ای بالاتر از مظلوم‌کشی! چه رذیله‌ای بالاتر از بی‌عدالتی! اما از همه این‌ها بدتر و سیاه‌تر، بی‌طرفی و سکوت است. بی‌طرفی همیشه تاریخ بی شرف بوده‌اند و زمینه را برای همه رذایل آماده کرده‌اند.

در کرب و بلا، بی‌طرفان، بی‌شرفان‌اند
تاریخ همان است، حسینی و یزیدی!



جمال
یزدانی
محقق و دکتری
فرهنگ و ارتباطات



پیمان
علیشاهی
جامعه‌شناس و
تصویرساز



این اثر به تصویرکشیدن نسخه‌ همیشه‌ آمریکا و استعمار برای ملت‌های آزاده دنیا است: «من می‌کشم اما تو صلح کن!» آنها همیشه از ضعف عقلی حاکمان و غرب‌زدگان ملت‌ها استفاده کرده و کار خود را پیش برده‌اند اما مقاومت همیشه در تاریخ بشر جوابی دندان‌شکن به آنها داده است.



واقعیت این است که غزای ها نشان دادند، صاحبان زمین اند و در هر حالتی می مانند و زندگی می کنند. در همه اثنای جنگ غزه، کلاس درس داخل چادرها و داخل ساختمان های مخروبه و... تعطیل نشد. عجیب است که گاهی معلم، شهید می شد و گاهی دانش آموز؛ اما کلاس ها ادامه می یافت. به این اضافه کنید که جلسات حفظ قرآن و نماز جماعت و نمازهای جمعه وسط آوارها و مخروبه های ناشی از بمباران ها تداوم داشت. از صحنه های جذاب دیگر باید به بازی کردن روی آوارها اشاره کرد، سرسره بازی روی یک دیوار بتونی بزرگی که بر زمین افتاده تا تاب بازی داخل آوارها، همه نشانه های مقاومت بی مثال مردم غزه است.



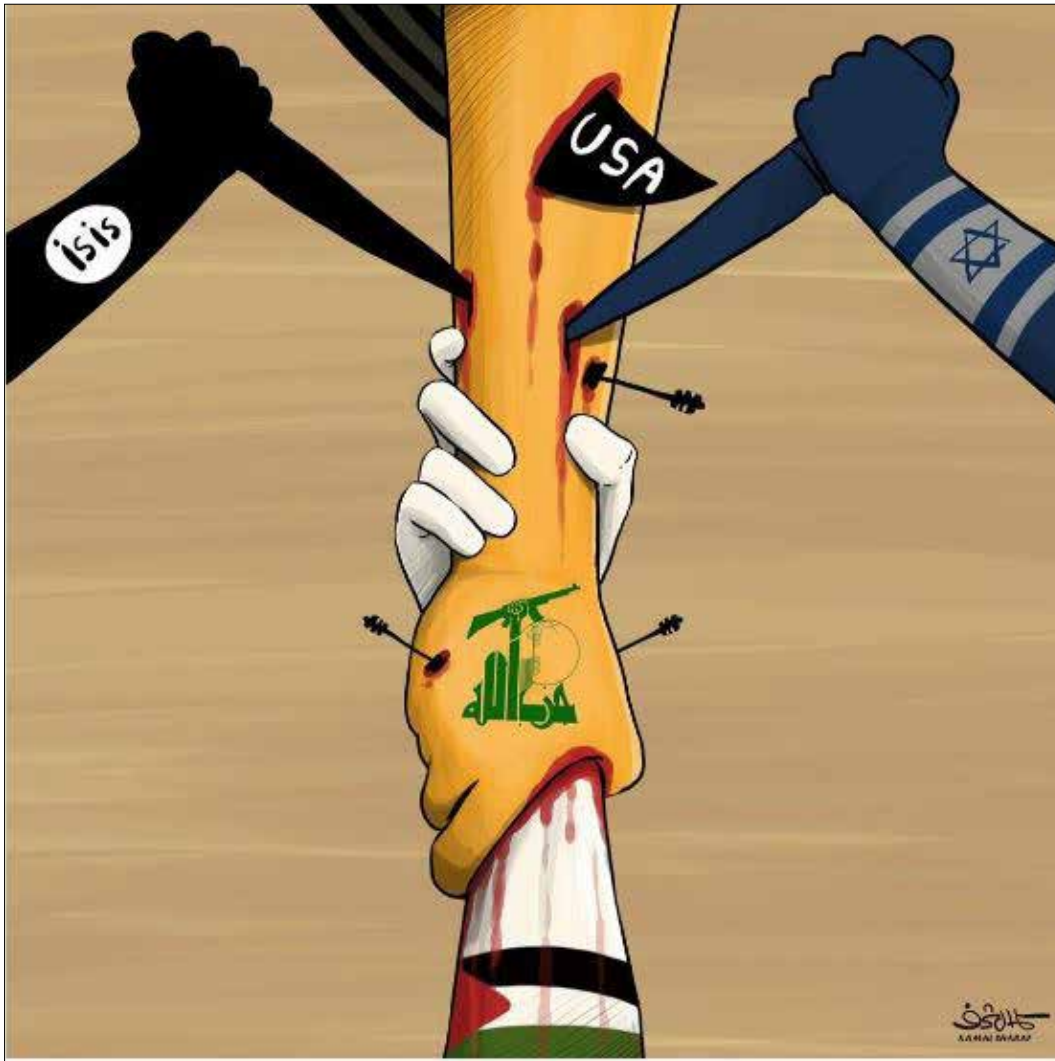
**حسین
کمیلی**
فعال فرهنگی و
فعال حوزه بین الملل



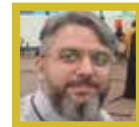
سید محمد جواد
طاهری
کاریکاتورست و
طنزپرداز



یکی از خواص کارتون مطبوعاتی که در عصر انفجار اطلاعات بزرگ شده، مورد بی‌اعتنایی واقع شده، سادگی در اجراست. کمال شرف با آثارش، از این خصلت کارتون به خوبی استفاده می‌کند؛ بدون نیاز به ظاهرسازی و افراط در جلوه‌ها، آثاری با تحلیل‌های چندوجهی ارائه می‌دهد.



مظلومی دست مظلوم دیگر را گرفته، این اثر هم خیانت‌ها و جنایت‌های انواع گروه‌های جنایت‌کار را نشان می‌دهد و هم شرافت و ایستادگی ملت‌ها و امت‌های بزرگ را و رسوایی‌هایی که همه درگیری‌های علیه لبنان به خاطر فلسطین عزیز است و همه خیانت‌ها نیز در سرسپردگی برای رژیم کودک‌کش اسرائیل.



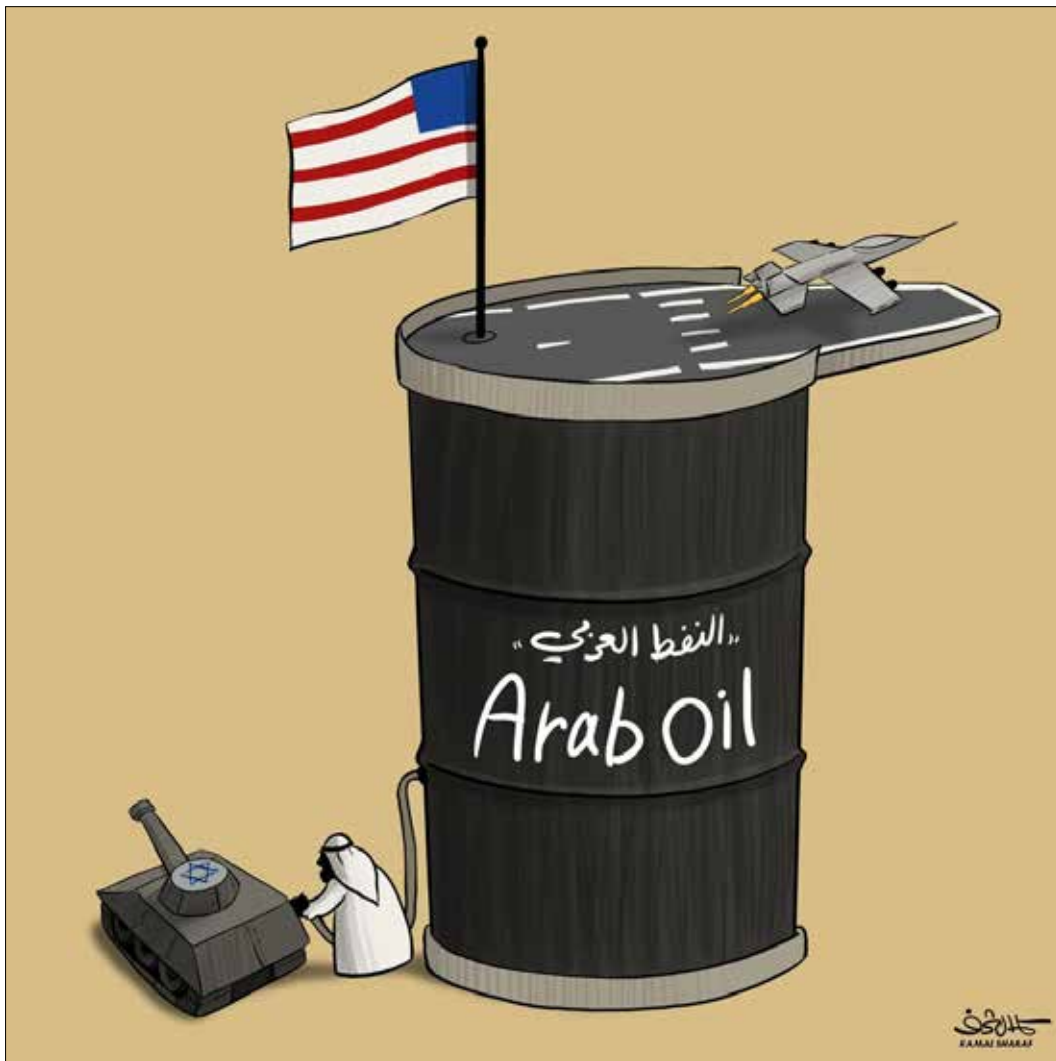
**پیمان
علیشاهی
جامعه‌شناس و
تصویرساز**



محمد حسین
عظیمی
محقق و پژوهشگر
حوزه بین الملل



کمال شرف در کاریکاتورهای خود به طور ویژه به تناقض میان ادعاهای حمایت از فلسطین و عدم اقدام عملی برخی کشورهای عربی، از جمله عربستان سعودی، اشاره می‌کند. یکی از موضوعات برجسته در کارهای او، تمرکز بر کمک نکردن واقعی و مؤثر اعراب به فلسطینیان است، به رغم ادعاهای مکرر در حمایت از آرمان فلسطین. او در کاریکاتورهای خود به نوع و کیفیت کمک‌های کشورهای عربی، به ویژه عربستان سعودی، به کودکان فلسطینی نیز انتقاد می‌کند. او این کمک‌ها را گاهی نمایشی، ناکافی، یا با اهداف سیاسی توصیف می‌کند.



ثروت‌های الهی برای ملت‌های بزرگ، قدرت و برای گروه‌های ذلیل، نوکری به ارمغان می‌آورد! نفت اعراب به جای اینکه بازوی قدرتی برای اعمال نظر حق و کمک به هم‌نوعانشان باشد، تبدیل به سکویی برای جنایت بیشتر در خدمت استعمار و اربابان غربی‌اش شده.



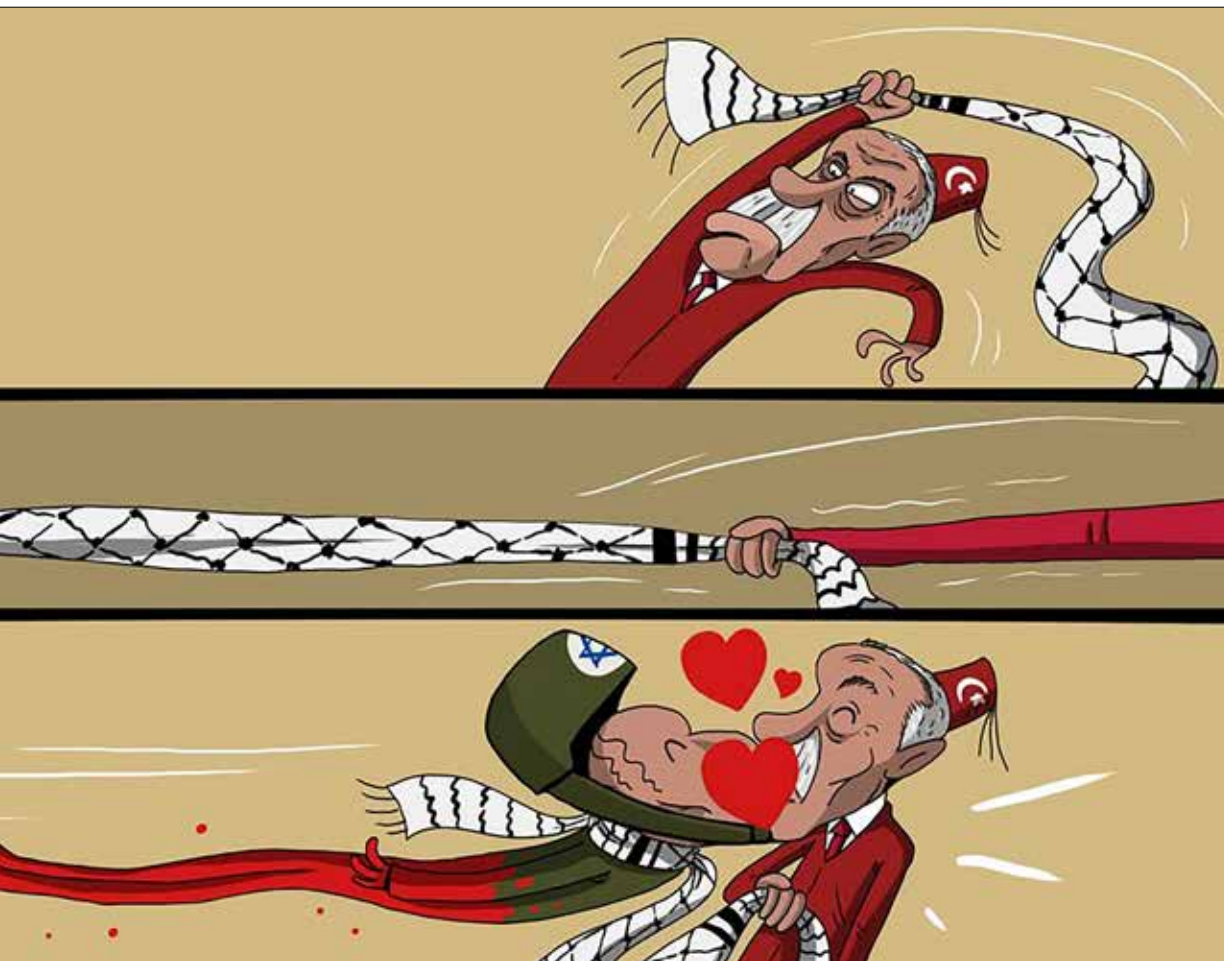
**پیمان
علیشاهی
جامعه‌شناس و
تصویرساز**



حسین
کمیلی
فعال فرهنگی و
فعال حوزه بین الملل



بچه‌های غزه، پس از شهادت سنوار، یک بازی راه انداخته بودند؛ هرکدام روی یک میل می‌نشستند و یک تکه سنگ یا چوب را با دست چپشان پرت می‌کردند و یک نفر دیگر باید آن را می‌گرفت! واقعیت این است که نه تنها شهادت سنوار، اوج احساس عزت و مقاومت را به همه و به خصوص نسل جوان غزه منتقل کرد که حتی نمادهای واپسین لحظات زندگی عزت‌مندانه او نیز تبدیل به نماد و ماندگار شد.



علاوه بر آثار کمال شرف باید به عقبهٔ مبانی دینی هنرمند نیز اشاره کنیم. اینکه هنرمند بتواند معارف دینی را به زبان هنر ترجمه کند، تنها حاصل شناخت و ایمان هنرمند به آن مبانی و معارف نیست، بلکه انس با این معارف، تأمل مداوم بر بیان تصویری آنها و تکرار مستمر تجربه تولید، براساس این منظومهٔ معرفتی کم‌کم هنرمند را به جایی می‌رساند که قدرت تولید واکنش سریع، مبتنی بر این عقبه معنایی را پیدا می‌کند. پیوند تصویر منافق در امت اسلامی با آیهٔ شریفه «يقولونَ بأفواههم ما ليسَ في قلوبهم»^۱ و ضرب آن در مهم‌ترین مسئلهٔ روز ما یعنی مقاومت فلسطین در برابر اسرائیل اتفاق بسیار مهمی است. شرف حتی از اینکه این پشتوانه مبنایی را به رخ مخاطب بکشد، ابایی ندارد.

۱. به زبان چیزهایی می‌گویند که به دل اعتقاد ندارند؛ آیه ۱۱ سوره فتح



**جمال
یزدانی**
محقق و دکتری
فرهنگ و ارتباطات



هنر او در خدمت دین و معارف دینی است:

«هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد. هنر در مدرسه عشق، نشان دهنده نقاط کور و مبهم، معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت، شرافت، انصاف و تجسیم تلخ کامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود، تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می برند؛ تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهان خواران شرق و غرب و در رأس آنان، آمریکا و شوروی را بیاموزد.»^۱

۱. صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۲۱، صفحه ۱۴۵

تمام وقایع وسرِ وقایع



سمیرا
قره‌داغی
طنزپرداز

اولین بار نام ایشان را پای کاریکاتورهای ضد آمریکایی و عربستانی دیدیم. روزهای مقاومت یمن بود و یک هنرمند حق داشت که طرف کشور خود بایستد، از قضاوت نترسد و با سلاح هنر با دشمن ملتش مبارزه کند. بچه‌های پابرهنة کاریکاتورهایش «حنظله»^۱ ناجی‌العلی را یاد آدم می‌انداخت، هرچند برهنگی و گرسنگی کودکان یمن، تنها کارتون نبود و واقعیت داشت. تا جایی که حتی پابرهنگی کوچک و بزرگ یمنی‌ها سر زبان‌ها افتاد؛ اما طوفانی در راه بود که روی دیگر یمنی‌ها را به دنیا نشان داد.

هفت اکتبر ۲۰۲۳ رسید. مردم یمن از جنگ ده‌ساله، همچنان گرسنه اما پیروز بیرون آمده بودند. مقاومت یمن در کنار مقاومت عراق و لبنان، به یاری مظلومیت غزه برخاستند. حالا دیگر در تصویر کاربری کاریکاتور نیست یمنی هم موضوع غزه بود و تا امروز یک نفس و تمام وقت در اختیار آرمان فلسطین است و مقاومت هم برای خودش رسانه دارد. تا رسانه‌های محدود، بی امکانات و بعضاً خودفروخته جغرافیای اسلام بخواهند به گرد پای امپراتوری جنگ روانی رسانه‌های جریان اصلی برسند. کاریکاتورهای کمال شرف هم به مقصد رسیده، جایی که شایعات و دروغ‌های دشمن می‌دوند تا به آنجا برسند.

«رندی» مهمترین اسباب شوخی یا هجو در آثار هر هنرمند طنزپرداز است. یکی آن را در خود تحقیری و طعنه به خود یا التماس به دشمن و بلکه سخیف‌تر از آن خرجش می‌کند، دیگری در انعکاس نسل‌کشی. کمال شرف چنین مهارتی را دارد که هم حساب تشکیلات خودگردان را از فلسطین جدا کند و هم حساب این شیشوی جدید الخلقه (جولانی) را از مردم سوریه. هم می‌داند هدف اسرائیل از پیشروی در خاک سوریه پس از فروپاشی چیست و هم متوجه نفاق «دولت همسایه سوریه»^۲ است. آن هم در جهانی که بیشتر هنرمندان دارند استخاره می‌کنند که راستش را بگویند یا بد می‌شود.

تا برخی اهل هنر بخواهند حساب و کتاب کنند تا بفهمند که حق با جنایتکار جنگی است یا کودک غرق بر خون، روز اول نبرد به کسی تجاوز شده یا نه، اسرائیل خون خوار بوده که بیمارستان

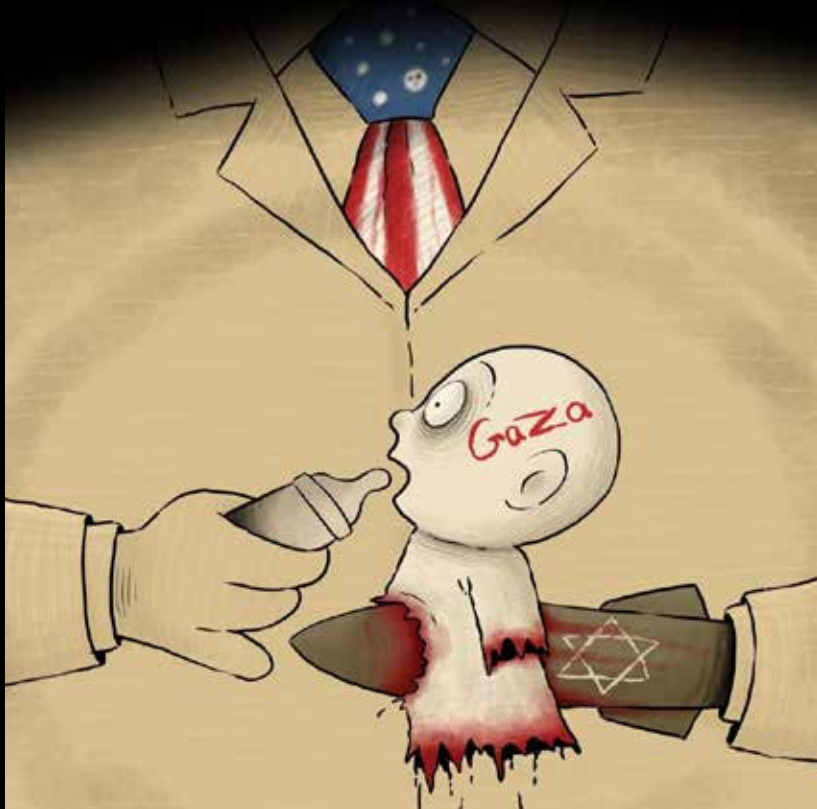
۱. کودک پابرهنة که نماد خود هنرمند بود و همچون امضا در همه کارهای ناجی‌العلی حضور داشت.

۲. رهبر انقلاب در دیدار با افسار مردم در ۲۱ آذر ۱۴۰۳، از دولت ترکیه - به عنوان دستیار آمریکا و اسرائیل در مارچای سوریه - به این عنوان یاد کرد.



ت ت

کمال عدوان غزه را بمباران کرده یا بیمارستان خودش منفجر شده. آن موقع کمال شرف جسور و نترس یمنی موضع‌گیری می‌کند و گزارش لحظه به لحظه را به دنیا می‌دهد. مثل یمن صبور که با وجود گرسنگی هشتاد درصدی، چنان انقلابی و آرمانگراست که بعد از زدن ناو آمریکایی و تحقیر دشمن، هنوز به خانه نرفته و روی ناو مانده است تا مناسک زیبایی از جنگ روانی و تحقیر استکبار را به جا آورد. مثل مردم یمن که هر هفته در خیابانند. قیام هم همین است. اینکه تا رسیدن به پیروزی، به خانه نمی‌روند و شنیدن داد مظلوم، تنها وظیفه دولت و حکومت و سازمان فلان نیست؛ وظیفه همه است. مثنی با ما مردمان و افرادی با هنرمند متعهد.





محسن
فرجی
طراح و
کاریکاتوربست

توجه همزمان به اتفاقات منطقه و بازخورد آن در نقاط مختلف جهان، یک نکته مهم است که کمال توانسته در این اثر به خوبی از آن استفاده کند. جریان سرکوب آزادی بیان برای طرفداران فلسطین در آمریکا یک نمونه بارز از توخالی بودن شعار آزادی بیان در ایالات متحده است.



جمال
یزدانی

محقق و دکتری

فرهنگ و ارتباطات

مفهوم «ایستادگی و سرخم نکردن» مفهومی پرتکرار و محوری است. ایستادگی وصف زندگان است اعم از آنان که زندگی مادی دارند یا آنها که شهیدند و زنده هستند. ایستادگی سیدحسن در برابر انگشت اشاره آمریکایی، بت پرستی مدرن را نشان می‌دهد. موشک بت مدرن است و دست چدنی آمریکایی با ظاهری مخملین نیز سازنده بت‌های مدرن. بت‌خانه‌های مدرن، برعکس اسلاف جاهلی‌شان تنها محدود در مکانهای خاص نیستند، بلکه تا عمق زندگی بشر نفوذ کرده‌اند و رسانه این امکان را فراهم کرده که شما بتوانی هم‌زمانی در برابر ظلم سکوت کنی یا حتی تشویقش کنی و پیش سلبریتی زانو بزنی و اعتبارت را از او بخواهی و وقت وقتش که بشود چشم‌مهایت را به روی ظلم‌هایش آن انگشت بالاسر سلبریتی ببندی!



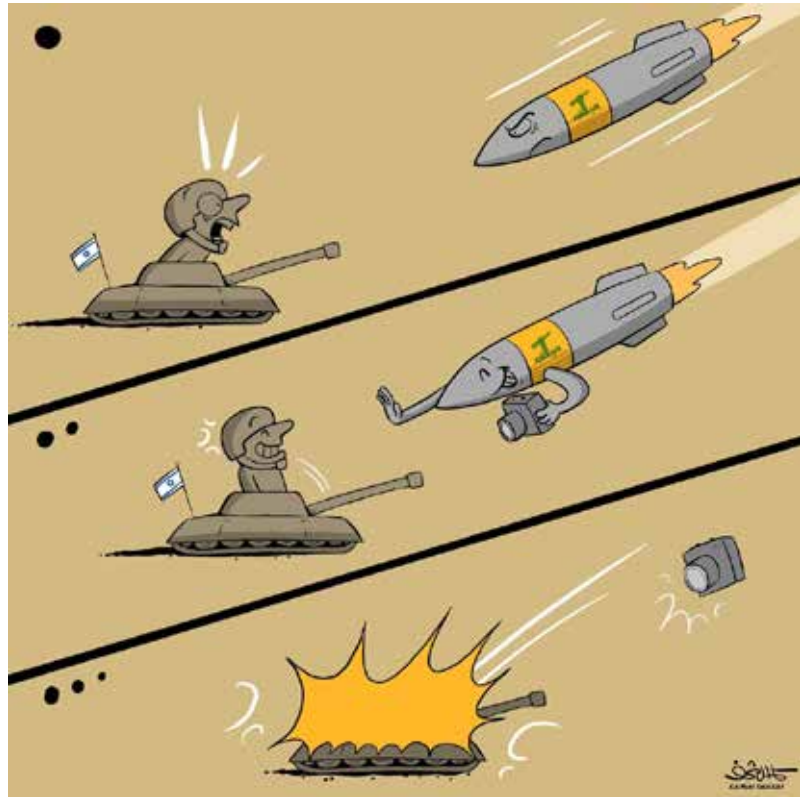


محمد رضا
موسوی
گرافیست و
تصویرساز

چقدر این آثار به این آدم می‌آید؛ هم به سرزمینی که از آن برخاسته و هم به اسم و رسم او. کارتون‌هایی خوش ایده، بی‌تکلف و البته نقطه‌زن! او با کارتون‌هایش رسماً تیغ بر دشمنان انسانیت و اسلام کشیده. با ایده‌هایی راحت الحلقوم که در کسری از ثانیه به هدف می‌خورد و ذهن مخاطب را می‌ریاید. کارهایش باب انتقال پیام‌های روز مقاومت است. سبک کارتون‌هایش بی‌تکلف است؛ درست مثل ظاهر بی‌تکلف مردمانِ وطنش، یمن.

بی‌تکلف بودن یعنی به دنبال ادا و اطوارهای بعضی اصحاب هنر نیست. درست مثل یمنی‌ها بی‌پروا و سریع، مواضع دشمن را هدف می‌گیرد. کمال شرف، به وسیله قلمش، ذهن پویایش و دست‌ان هنرمندش توامان مسیر کمال و شرف را می‌پیماید. خدانگهدار او و هنرمندانی که شرافتمندانه پای فلسطین، مقاومت و انسانیت ایستاده‌اند باشد.





ایستاده در میدان

محمد صادق

شهبازی

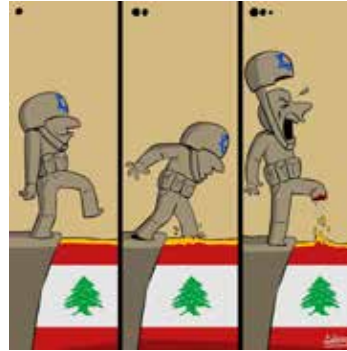
نویسنده و پژوهشگر

انقلاب اسلامی



کمال شرف یک آدم عادی نیست که بنشیند و کارهای ژورنالیستی انجام دهد. او پروژه فکری دارد با پس زمینه های فکری و اندیشه ای. با موضوعاتی مانند مبارزه با سلطه، دفاع از مقاومت یا جنگ فقط و غنا کار دارد. می فهمد کی و چطور باید به جنگ با تحجر برود. می داند چه زمانی باید موشکی را بکشد که مخاطب به راحتی در آن بتواند هم عزت را ببیند، هم رفعت را و هم درعین حال اقتدار را اصلاً با دیدن کارهای کمال شرف انگار یک دوره کلاس اسلام ناب می گذرانی یا حتی کلاس هایی با موضوعات مختلف. به روز و به موقع کار می کند. نقطه زن است و می داند که الان باید



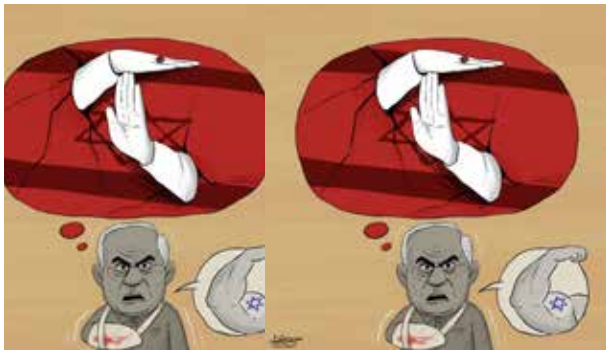


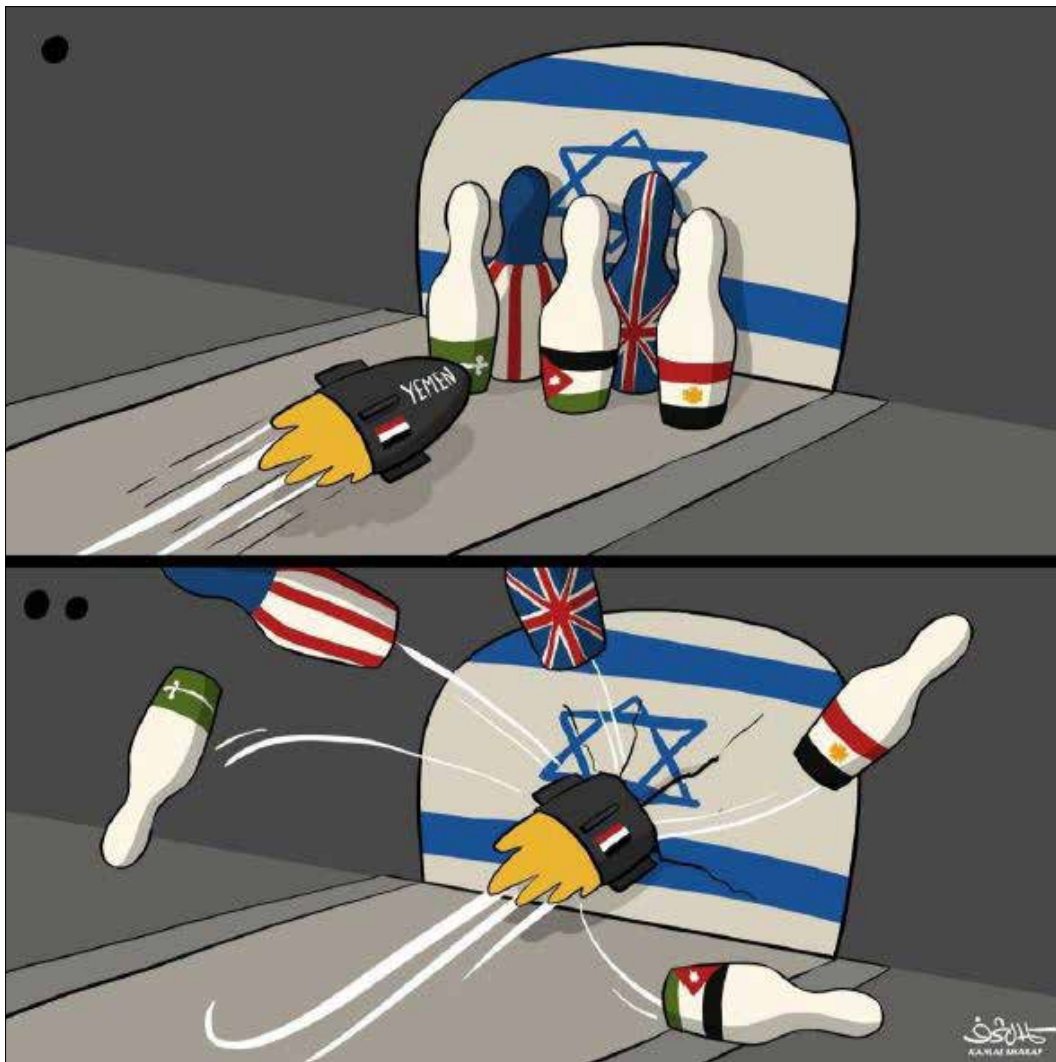
چه کاری تولید شود. مفاهیم بنیادی که به صورت روزمره برای مقاومت پیش می‌آید را مورد به مورد کار می‌کند؛ آن هم با کیفیت بالا و ایده خوب. از ماجرای پیجر و ایستادگی یحیی سنوار گرفته تا هر آنچه فکر کنید را در زمان خودش کار کرده.

کمال شرف کارهایش از لحاظ فنی هم پختگی دارد. آدمی با کمترین امکانات و خروجی بسیار بالاست. امثال او عرصه‌ای را باز کردند که می‌شود مدام در مورد آن صحبت کرد؛ امان‌سازی می‌کنند و این بسیار ارزشمند است.

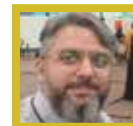
به طور کلی فضای گرافیک و بالأخص کاریکاتور در جریان طوفان الاقصی سریع‌ترین بخش جبهه مقاومت بوده که پای کار آمده. با اینکه رزمنده کمی دارد اما امثال کمال شرف توانسته‌اند در این زمینه خوب کار کنند. کارهایی که با دیدن آنها به یاد کارهای مازیار بیژنی، شهید فلسطینی ناجی‌العلی، کارلوس لاتوف و هنرمندان ایستاده در میدان می‌افتیم؛ با همان کیفیت و همان ارزشمندی.

با اینکه او را از نزدیک ندیدم اما تصویر یک قهرمان یمنی را به راحتی می‌توانم تصور کنم. کمال شرف با اینکه در یمن است و محدودیت‌های خاص خودش را دارد اما ایستاده در میدان و مبارزه می‌کند.





نوکران محلی و اربابان جهانی همه در خط دفاعی اسرائیل. این اثر به خوبی نشان داده که اسرائیل نوک هرم است و نه زیرمجموعه آمریکا و انگلستان. البته این نوک هرم با همه دیوار دفاعی اش از ضربت خنجر شرافت مند یمنی در امان نمانده است!



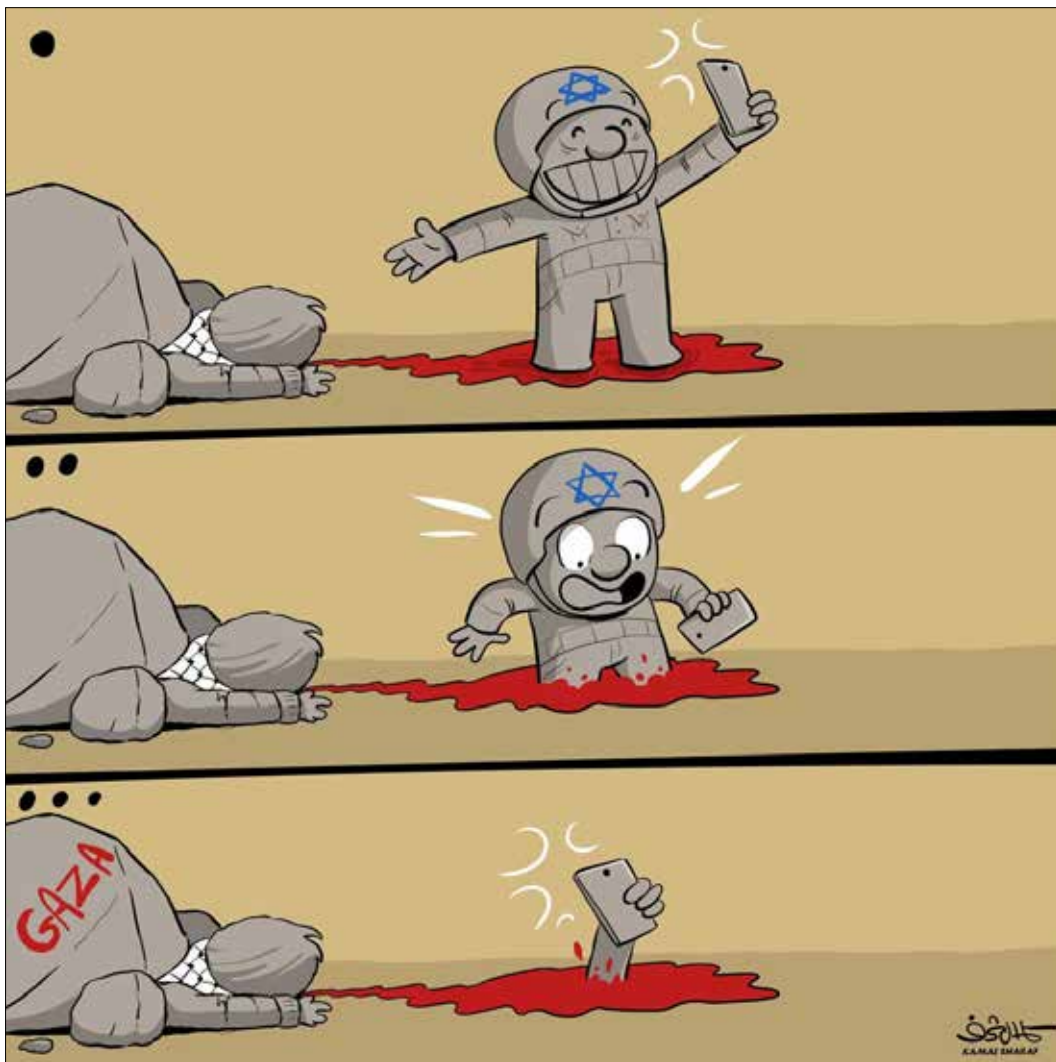
پیمان
علیشاهی
جامعه‌شناس و
تصویرساز

حسین
کمیلی
فعال فرهنگی و
فعال حوزه بین الملل



العبرية العربية أنقدر در پوشش اخبار طوفان الاقصى
خبائث کرد که تعداد بسیار زیادی از مخاطبانش
در پایین پست هایش آن را شبکه‌ای عبری یا به
قول خودشان «بامتیاز صهیونی» نامیدند؛ یعنی با
فاصله از بقیه شبکه‌ها، صهیونیستی تر است.
در جریان اتفاقات پیچرها و شهادت سید حسن در
لبنان، فتنه‌ای را با حضور یک آخوند سید شیعه
به نام الحسینی طراحی کردند که بتوانند اذهان
شیعیان لبنان را هم نسبت به ایران بد کنند و تا
حدودی برای کوتاه مدت، موفق هم شدند.
العربية حتی در جریان وعده صادق که هیچ
جای شک و شبهه‌ای نداشت و یک صدا، تحسین
جهان عرب و منطقه را برانگیخت، سعی کرد
بگردد و روایت تلخی پیدا کند؛ فلذا با خانواده
فردی که قطعه‌ای از موشک روی آن افتاده بود
مصاحبه‌هایی را گرفت....





کمال شرف گاهی رهبران یا نظامیان اسرائیلی را در حال جشن گرفتن یا افتخار به خشونت‌های خود نشان می‌دهد. او این رفتار را به عنوان بی‌رحمی و بی‌احترامی به حقوق انسانی فلسطینی‌ها نقد می‌کند و همچنین استفاده از رسانه‌ها برای توجیه خون‌ریزی اسرائیلیان را اقدامی ضدانسانی معرفی می‌کند. او رسانه‌های اسرائیلی یا حامیان جهانی آنان را در حال تبدیل این خشونت‌ها به یک روایت «دفاع از خود» نشان می‌دهد، در حالی که واقعیت، قتل عام مردم بی‌گناه است. او با طنزی تلخ، دوگانگی اخلاقی در اسرائیل را به خوبی ترسیم می‌کند.



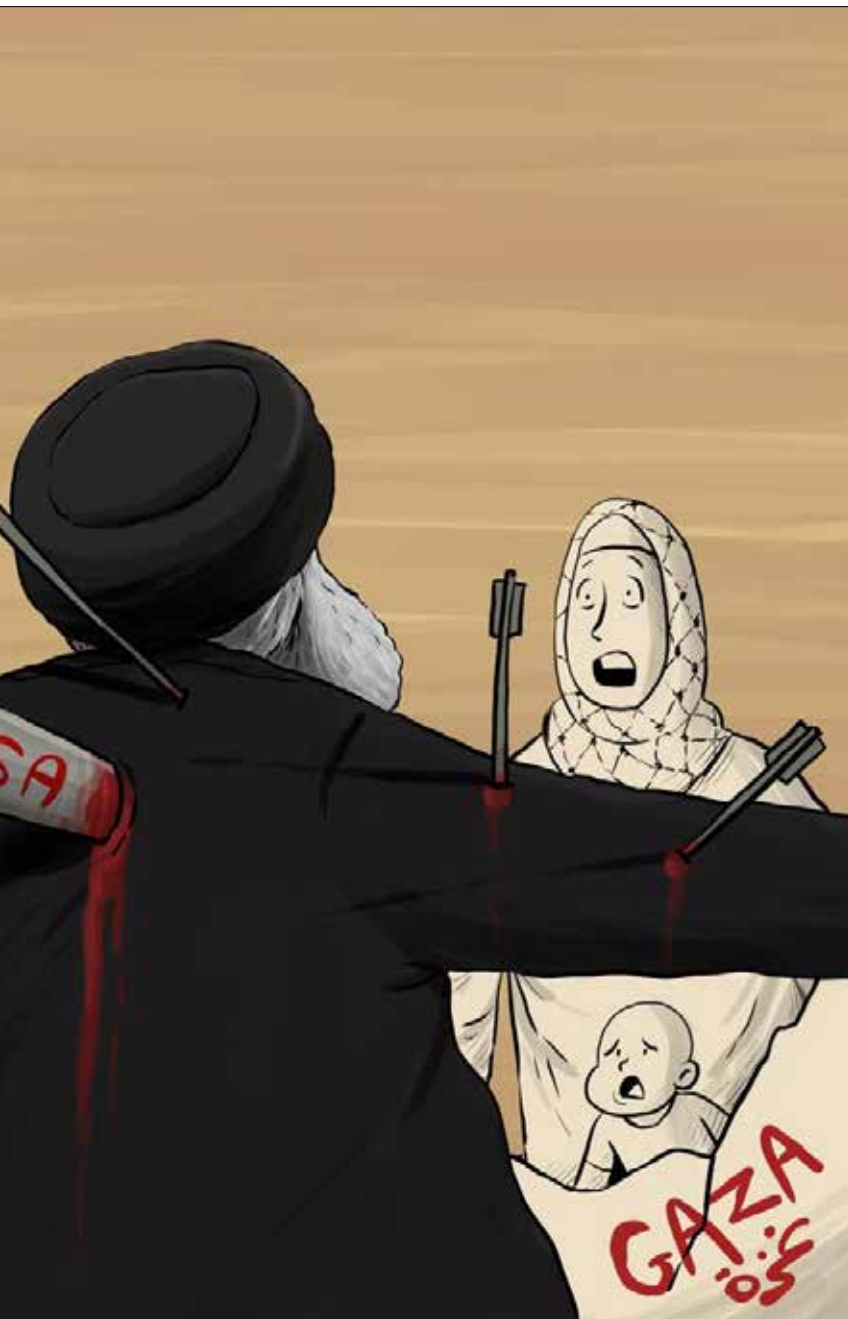
محمد حسین
عظیمی
محقق و پژوهشگر
حوزه بین‌الملل



این پایانی برای سازمانی جهانیست که به تصویر کشیده شده. مجموعه‌ای که از ابتدا ساختاری برای خود چید تا در خدمت اربابان استعمارگر و جنایتکار باشد. چه خوش خیالانی که دل به عدالت و مردم‌سالاری در این سازمان بسته بودند.



پیمان
علیشاهی
جامعه‌شناس و
تصویرساز



**جمال
یزدانی**
محقق و دکتری
فرهنگ و ارتباطات

سیدحسین در اینجا ایستاده به شهادت رسیده است. ترکیب تیرهای تاریخی در جنگ‌ها با موشک‌های مدرن هم نشان دهنده توجه شرف به ریشه تاریخی گفتمان مقاومت در مبارزات اولیای الهی دارد. البته این کار در آثار دیگر شرف هم تکرار شده؛ مانند بازنمایی صحنه شهادت یحیی سنوار. این تیرهای تاریخی به ما تأکید می‌کند درگیری جبهه حق و باطل، درگیری دوره معاصر نیست و به قدمت تاریخ بشر و خلقت عالم عقبه دارد.

صد البته این درگیری در مقطعی مانند عاشورای سال ۶۱ به اوج خود می‌رسد. مقاومتی الهام‌بخش که سرنوشت بسیاری از حق‌خواهان جهان را تحت تأثیر قرار داده است. این توجه کردن به عقبه تاریخی مقاومت، تنها محدود به تاریخ معصومین نیست بلکه توجه به نمادهای شاخص مقاومت فلسطینی در تاریخ هفتادساله‌اش هم در آثار شرف به خوبی دیده می‌شود؛ مانند همین «حنظله» که اکنون پای پرچم فلسطین را گرفته و سنوار ایستاده را یاری می‌کند. این امر نشان می‌دهد که اگر مقاومت اکنون مظلومانه و تنها در برابر تمام کفر و ظلم غرب مدرن چنین جان‌بازی می‌کند ولی روی پاهای جریان تاریخی مقاومت ایستاده است.





شرافت، کلیدواژه غربی است در دنیای بی شرف‌ها. حالتی در شخص که او را از ارتکاب رذایل باز می‌دارد! و چه رذیله‌ای بالاتر از کودک‌کشی! چه رذیله‌ای بالاتر از مظلوم‌کشی! چه رذیله‌ای بالاتر از بی‌عدالتی! اما از همه این‌ها بدتر و سیاه‌تر، بی‌طرفی و سکوت است. بی‌طرف‌ها همیشه تاریخ بی‌شرف بوده‌اند و زمینه را برای همه رذایل آماده کرده‌اند. به خصوص اگر این بی‌طرفی در هنر، خود را جلوه‌گر کند. هنری که در برابر رذایل بی‌طرف باشد، هنر نیست تبر است. تبری که ریشه به انسانیت، اخلاق، دین و ملیت می‌زند.

بیش از چهارصد روز است که بشر باز هم در میدان آزمون و ابتلایی دیگر قرار گرفته. فتنه‌ای سخت که آدم‌ها و جریان‌ها را زیر و رو می‌کند. فطرت‌ها، عقول، نفوس، و وجدان‌ها در برابر آماج درگیری جبهه حق و باطل، باید تصمیم بگیرند و نسبت‌های خود را مشخص کنند. در این میان، کمال شرف کاریکاتوربستی است که شرافت را تمام و کمال به نمایش گذاشته است.

